

بررسی تطبیقی علویات سیدحیدر حلّی و شهریار

ابوالحسن امین مقدسی / دانشیار دانشگاه تهران / abamin@ut.ac.ir

گلثوم تنها دوشانلو / کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران / k.tanha@ut.ac.ir

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۳/۲۸ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۴/۰۶/۱۶

چکیده

سیدحیدر حلّی، یکی از شاعران معاصر شیعی عراق در عرصه شعر دینی است که در اشعارش توانسته پیوندی استوار میان فضیلت‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام و اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر روزگار خویش، برقرار کند. بیان خطابی - حماسی و گاه عاطفی، کاربرد معتدل صور خیال و تلمیح به رخدادهای تاریخی جهان اسلام، از ویژگی‌های ساختار شعر دینی وی به شمار می‌آید. شهریار نیز به عنوان شاعر رمانتیک مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام، با رویکردی بکایی - عاطفی و گاه حماسی و با بهره‌گیری از تصاویر متنوع و پویا که مشخصه اصلی شعر وی است، به دو زبان ترکی و فارسی، به بیان فضیلت‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام در قالب مدح و رثا پرداخته است. در این پژوهش که اساس آن وصف و تحلیل است، به صورت تطبیقی و بر اساس مکتب ادبیات تکاملی، به بررسی و تحلیل سیمای امام علی علیه‌السلام در شعر دینی دو شاعر ایران و عرب و نیز نکات بلاغی ویژه‌ای که در مضمون‌پردازی از آن بهره‌جسته‌اند پرداخته‌ایم. در واقع اوضاع سیاسی، ریشه‌های مشترک دینی و اعتقادی و فرهنگ شیعی و ادبی حاکم بر جامعه دو شاعر، موجب شده به تطبیق و مقارنه این دو شاعر پردازیم. کلیدواژه‌ها: علویات، ادبیات تطبیقی، سیدحیدر حلّی، شهریار، شعر دینی.

مقدمه

تاریخ آغازین شعر دینی، با روزهای نخستین صدر اسلام به ویژه با پیروزی دعوت اسلامی، شکل گرفته است. شاعران جبهه اسلام، سهم بزرگی در گسترش و دفاع از اندیشه‌های اسلامی برعهده داشتند. حسان بن ثابت، کعب بن مالک و عبدالله بن رواحه، در شمار مشهورترین شاعرانی به شمار می‌آیند که از آن‌ها به عنوان بنیان‌گذاران شعر دینی می‌توان یاد نمود.

ادبیات علوی نیز در شمار این گونه شعر قرار دارد. این ادبیات، سرشار از مضامین زیبا در ذکر مناقب، صفات و ویژگی‌های اخلاقی امام علی علیه السلام است که در طول تاریخ، از ابتدای شکل‌گیری ادبیات همواره وجود داشته است. مدح و رثای پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان و توصیف ویژگی‌های آنان، یکی از مدخل‌های بارز ادبیات متعهد است که در این میان مسأله ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و غضب خلافت، موجب شد تا حادثه عظیم و سرنوشت‌ساز غدیر، توجه شاعران را معطوف خود سازد و «غدیریات» را در تاریخ ادبیات شیعه به وجود آورد. فضایل و مدایح امام علی علیه السلام بر زبان‌ها جاری شد و شاعران ماجرای سقیفه و عاملان آن را تقبیح کردند. (حوفی، ۱۹۶۵، ص ۲۰۱)

در این میان، دو ملت ایران و عراق، بنابه دلایل مختلف بیشتر به این موضوعات پرداخته‌اند. ریشه‌های مشترک دینی و اعتقادی، برخی اشتراکات فرهنگی و گاه تجربه‌های اجتماعی مشابه در میان دو ملت، از جمله عواملی است که ادبیات دینی آن‌ها را به هم نزدیک ساخته است.

سیدحیدر حلّی، یکی از خطیبان و شاعران بزرگ قرن نوزدهم در عراق است که حجم بسیار گسترده‌ای از دیوان دو جزئی وی را اشعار دینی و به‌ویژه رثای امام حسین علیه السلام دربرگرفته تا بدانجا که وی را «شاعرالحسین علیه السلام» و شاعر اهل‌البیت علیهم السلام می‌نامند. محمدحسین شهریار، شاعر معاصر ایران نیز از نمونه شاعران ولایی است که بیش از هفتصد بیت در مدح و رثای اهل‌بیت علیهم السلام و به‌ویژه امام علی علیه السلام به زبان‌های فارسی و ترکی سروده

که از صدق عاطفه شاعر خبر می‌دهد. بنابراین با توجه به ارتباط فرهنگی - تاریخی و وجود زمینه‌های مشترک برای مقایسه و تطبیق بین آثار دو فرهنگ، نگارندگان در این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی است، برآنند به صورت تطبیقی، به بررسی و تحلیل سیمای امام علی علیه السلام در شعر دینی دو شاعر و نیز نکات بلاغی و تصاویر هنری پردازند که در مضمون پردازی از آن بهره جسته‌اند.

پیشینه پژوهش

از پژوهش‌هایی که درباره اشعار دینی سیدحیدر به رشته تحریر درآمده است، می‌توان به کامل سلیمان: *الایدئولوجیا فی رثاء الحسین علیه السلام*، زهرا خانگاہ: *پایان‌نامه بررسی سیمای اهل‌بیت علیهم السلام در اشعار سیدحیدر حلّی* که در آن به ترجمه اشعار شاعر درباره اهل‌بیت علیهم السلام بسنده شده است، و عزیز فارس: *السید حیدر الحلّی؛ أغراض و فنونه* اشاره کرد. درباره پژوهش‌های صورت گرفته درباره شهریار نیز می‌توان به مقاله شمس‌الدینی و هم‌کاران: «غدیریه‌های شهریار و بولس سلامه»، و عبداللهی: «تأثیر کلام علی علیه السلام بر شعر شهریار» اشاره کرد. اما بر اساس اطلاعات نگارندگان، تاکنون به تحلیل ادبی و تطبیق اشعار شهریار و سیدحیدر حلّی پرداخته نشده است.

فضیلت و عظمت حضرت علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام شخصیتی است که به یک گروه یا عقیده و مرام خاصی منحصر نیست و از نخستین روزهای طلوع پر فروغ اسلام تاکنون، شخصیت‌های بزرگی با گرایش‌های گوناگون مجذوب ابعاد شخصیت والای ایشان شده‌اند و هر یک به فراخور دانش، استعداد، گرایش و ذوق خویش، در توصیف ایشان قلم زده‌اند و در برابر بزرگی شخصیت ایشان سر تعظیم فرود آورده و از فضایل بی‌کران آن امام همام دم زده‌اند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره عظمت ایشان فرموده‌اند:

«لو أن الرياض أقلامٌ و البحر مدادٌ و الجن حسابٌ و الانس كُتَّابٌ ما احصوا فضائل علي بن ابي طالب». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵، ص ۲۵۸؛ ابن‌شاذان، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۹)

همان‌طور که از کلام گران‌قدر رسول گرامی اسلام ﷺ برداشت می‌شود، فضایل و صفات مولای متقیان علی بن‌ابی‌طالب به قدری گسترده است که بشر در بازگو کردن آن عاجز مانده و همین سبب شده تا شهریار، همانند تمامی شاعران شیعی، شیفته و حیران رازگشای عالم هستی شده، بسراید:

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم، شه ملک لا فتی را
(شهریار، ۱۳۷۳، ص ۹۸)

جبران خلیل جبران، ادیب بزرگ مسیحی در وصف عظمت امام علی علیه السلام می‌گوید:

«فَمَنْ أَعْجَبَ بِهِ، كَانَ إِعْجَابُهُ مُوْتَوَقَّأً بِالْفِطْرَةِ وَ مَنْ خَاصَمَهُ كَانَ مِنْ أُنْبَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ».

(امین، ۲۰۰۱م، ص ۱۵۵)

«هر کس شیفته و دلدادۀ علی گشت، شیفتگی و دلدادگی‌اش به رشته‌های فطرت بسته است و هر کس با او دشمنی نمود، از فرزندان جاهلیت است».

جایگاه امام علی علیه السلام در شعر دو شاعر

همان‌گونه که گفته شد، سیدحیدر حلّی یکی از استوانه‌های محکم و استوار شعر عرب است که اشعارش فرسنگ‌ها از سطح نظم شاعرانه و ادیبانه فراتر رفته و سرشار از امواج عواطف ظریف و احساسات مؤثر و تصاویر خیال‌انگیز شاعرانه است. سید را در رثا و ثنای اهل بیت علیهم السلام، به ویژه در مرثیه‌سرایی برای سالار شهیدان امام حسین علیه السلام، بزرگ‌ترین شاعر عرب شمرده‌اند و معتقدند که هیچ شاعری در این عرصه به او نمی‌رسد. از این منظر، او را «شاعر الحسین علیه السلام» لقب داده‌اند. وی در رثائیات خود توانسته اعجاب شاعران و ادیبان بزرگ عصر خویش را برانگیزد، از این رو، بیش‌تر ناقدان وی را پیشوای صنعت رثا به شمار آورده‌اند. (الموسوی، ۱۸۸۷، ص ۵۴؛ الخياط، ۱۹۷۰، ص ۱۹)

وی در دو بیت، به مدح حضرت علی علیه السلام و نیز در دو قصیده (شامل ۱۴۸ بیت)، به رثای ایشان پرداخته و در خلال این ابیات، به اوصاف و ویژگی‌های فردی، اجتماعی و سیاسی ایشان، همراه با تصویر حوادث تاریخی دوران حضرت و عوامل شهادت ایشان اشاره کرده است. وی در خلال رثا، بیش‌تر به مصائب و مشکلات جامعه خویش پرداخته، سعی در پیوند گذشته تاریخ با وضعیت اجتماعی و سیاسی حاکم بر روزگار خویش دارد. نگرش وی در این قصاید، تصویری خطابی- حماسی و روایی- تاریخی است و می‌توان گفت زبان عاطفه نیز در آن بسیار محسوس است. وی با بهره جستن از آیات و احادیث و تصاویر بلاغی و نیز با الفاظی فصیح و معانی عمیق اطلاعات تاریخی بسیاری را در آن گنجانده و در همه جای قصاید، به امام عصر علیه السلام توسل جسته و طلب یاری کرده است. این یکی از ویژگی‌ها و تمایزات شعر سیدحیدر نسبت به شعر شهریار به شمار می‌آید و در تمام اشعار شیعی وی دیده می‌شود.

در شعر شهریار نیز مدح محاسن حضرت علی علیه السلام بارها به چشم می‌خورد. جز ذات باری که از حد قیاس فراتر است، از آدمیان، نام هیچ‌کس به اندازه مولا علی علیه السلام، ورد زبان او نبوده است. علی علیه السلام برای او، آینه حق و ترازوی عدالت و مظهر شجاعت و بسیاری فضایل دیگر است. به یک کلام، امام علی علیه السلام برای شهریار "نماد اسلام" محسوب می‌شوند. تمامی خصلت‌های انسان مسلمان که نظر کرده خدا و رسولش باشد، در امام علی علیه السلام جمع است؛ لذا امام علی علیه السلام و ذکر و یاد و تکریمش، ترجیح‌بند بسیار مکرر شعر شهریار است. (منزوی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۹)

وی در خلال اشعارش درباره حضرت علی علیه السلام، با بهره جستن از تصاویری چون تشبیه، استعاره، تضاد، تلمیح و... و نیز با استفاده از آیات و روایات و احادیث شریف، به اوصاف و ویژگی‌های فردی، اجتماعی و سیاسی ایشان پرداخته است. گفتنی است که وی بیش‌تر به مدح و ثنای حضرت پرداخته و ابیاتی چند در رثای ایشان سروده است.

بررسی تطبیقی اشعار دو شاعر

در بررسی اشعار سیدحیدر حلّی و شهریار درباره حضرت علی علیه السلام و حوادث مربوط به دوره ایشان، به مفاهیم و مضامین مشترک و غیرمشترک و تفاوت در سطح بیان و گفتار برخوردیم که در این پژوهش به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود؛ بدین صورت که ابتدا به توصیف صفات اجتماعی امام علیه السلام و پس از آن به بررسی حوادث و رویکردهای تاریخی، سیاسی و عاطفی موجود در اشعار دو شاعر پرداخته می‌شود:

۱. عدالت

و شقّ رأس العدل سيف جورکم مذ شقّ منه الرأس فی ذبابه^۱
(حلّی، ۱۴۰۴، ص ۵۶)

چه بودی اگر هر زمان چون علی یلی زادی از مادر روزگار
ترازوی عدلی چنان مستقیم ستون امانی، چنان استوار...
که برکندی از سینه دوست، دق برآوردی از جان دشمن دمار
(شهریار، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۹۸)

پرداختن به عدالت امام علی علیه السلام، از عناصر مشترک بین مضامین شعری دو شاعر است. جرج جرداق، نویسنده و متفکر مسیحی، در کتاب خود *امام علی صدای عدالت انسانی*، درباره حضرت علی علیه السلام این‌گونه زبان به وصف می‌گشاید:

پناهگاه ضعیفان، برادر غریبان و پدر یتیمان است... آن‌گاه که روز روشن می‌شود، به اجرای عدالت در میان مردم و برقرار ساختن برنامه‌های حق می‌پردازد؛ اما وقتی شب فرامی‌رسد و پرده تاریک شب گسترده می‌شود، برای آینده ملت به تلخی اشک می‌بارد. (جرداق، ۲۰۱۰، ج ۱، ص ۴۰)

۱. «زمانی که لبه تیز شمشیر سر او را بشکافت، شمشیر جور و ستمتان سر عدالت را شکافت».

هر دو شاعر، عدالت را از صفات بارز امام علیه السلام معرفی می‌کنند که حضرت در اجرای آن سنگ تمام گذاشته‌اند. سید حیدر، حضرت علی علیه السلام را نماد کامل عدالت به شمار می‌آورد که با شمشیر کین، فرق عدالت را شکافتند. شهریار نیز با الهام‌پذیری از سخن جرج جرداق که می‌گوید: «ای روزگار تو را چه می‌شد اگر تمام نیروهای خود را بسیج می‌کردی و در هر عصری و زمانی، بزرگ‌مردی به نام علی را بدان عقل و بدان قلب، بدان زبان و بدان شمشیر، به انسانیت عطا می‌کردی!» (همان، ص ۳۷)، از این سخن به زیبایی تمام تر استقبال نموده و شعری را با این مضمون به رشته نظم کشیده و به عدالت‌محوری، جود و بخشش و شجاعت امام علی علیه السلام پرداخته است. هر دو شاعر با بهره‌جستن از آرایه‌های لفظی چون استعاره مکنیه در «رأس العدل» و «مادر روزگار»، به کلام خویش ارزش هنری بیشتری بخشیده‌اند.

۲. هدایت‌گری

ضَلَّتْ طَرِيقَ الْحَقِّ فِي شِعَابِهِ	فَالْأُمَّةُ الْيَوْمَ غَدَتْ فِي مَجْهَلٍ
مُدَّ قَتْلُوا الْهَادِيَ الَّذِي تُهْدِي بِهِ	عَادُوا بِهَا بَعْدَكَ جَاهِلِيَّةً
(حلی، ۱۴۰۴، ص ۵۷)	
و وُسْدَ وَ الرُّشْدُ فِي قَابِرٍ	قُضِيَ وَ الْهُدَايَةُ فِي مَصْرَعٍ
(همان، ص ۷۷)	
ورد زبان نغمه دل می‌شود	دیده زدیدار خجل می‌شود
ز آن که نذیر احمد و هادی علی است	در ره این کعبه منادی علی است
(شهریار، ۱۳۷۳، ص ۴۰۶)	

۲. «امت، امروز در بیابان بدون علامت (مسیر جهل) قرار گرفتند و سمت و سوی مسیر حق را گم کرده‌اند؛ بعد از تو، به جاهلیت برگشتند زمانی که هدایت‌گری را کشتند که همه به واسطه او هدایت می‌شدند؛ علی علیه السلام فوت کرد و با کشته شدن او، هدایت و رشد نیز در قبر قرار گرفت و در بستر مرگ آرام گرفت.»

صفت هدایت‌گری از دیگر ویژگی‌های اجتماعی امام علیه السلام است که هر دو شاعر بدان اشاره نموده‌اند. سیدحیدر در این ابیات، حضرت علی علیه السلام را آئینه تمام‌نمای مسیر حق و هدایت معرفی می‌نماید و مرگ او را مرگ هدایت و رستگاری قلمداد می‌کند که بعد از ایشان، امت گام در مسیر گمراهی نهادند و قتل حضرت را به‌دست کسانی که ایشان هادی و مرشد آن‌ها بود؛ خسرانی برای دنیا و آخرت آن‌ها می‌بیند که دوباره به جاهلیت خویش بازگشته و از نعمت هدایت محروم گشته‌اند. شاعر با بهره‌گیری از استعاره مکئیه در بیت آخر، در انتقال این حس موفق عمل نموده و هدایت و رشد را هم‌چون انسانی دانسته که دوشادوش امام علی علیه السلام بوده و با کشته شدن امام، او نیز می‌میرد و همراه حضرت دفن می‌شود. شاعر با این تصویر حسی، احساس فقدان هدایت را به مخاطب منتقل می‌کند. شهریار نیز در منظومه *صدای خدا*، با تأثیرپذیری از آیه شریفه: «و یقول الذین کفروا لولا أنزلَ علیه آیه من ربّه إنا أنتم مُنذِرٌ و لکلّ قوم هادٍ» و حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خطاب به امام علی علیه السلام فرمودند: «أنا المنذر و أنت یا علی الهادی إلی امری» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵، ص ۴۰۰)، به هادی بودن امام علیه السلام اشاره نموده، ایشان را جانشین برحق رسول خدا صلی الله علیه و آله و برگزیده از طرف خداوند معرفی می‌نماید.

۳. باب علم و معرفت

وَهَلْ مَدَخَلَا لِلرُّشْدِ أَبْقَى وَفِيهِ مِّنْ
 مَدِينَةِ عِلْمِ اللَّهِ قَدْ سُدَّ بِأُيُهَا
 بَلَى عَدِلَتْ عَنِ عِيَةِ الْعِلْمِ وَاقْتَدَتْ
 بِمَنْ مَلَأَتْ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ عِيَابَهَا^۴
 (حلی، ۱۴۰۴، ص ۵۹)

۳. سوره رعد، آیه: ۷.

۴. «آیا راهی برای هدایت مردم وجود دارد حال آن‌که در شهر علم خدا را با غضب حق وی بستند؛ مردم از کسی که سرآمد علم و دانش است، روی برتافتند و به کسی روی آوردند که آکنده از هر عیب و نقصی است.»

من علی شاه ولایت به دو عالم ثمرستم شهر علمست رسول الله و من باب و درستم

(خشکنابی، ۱۳۷۹، ص ۸۴)

های وثرین اللاها، شیطانی قویون تک قالسین توولانیب توولاماغین دا، بالا، اندازه سی وار

آلاهین شهری، نبی دیر، قاپیسی شاه ولی دئشیک آختارما، بوشهرین بئله دروازه سی وار^۵

(شهریار، ۱۳۸۶، ص ۵۲)

هر دو شاعر به طرز هنرمندانه‌ای، این ویژگی را به رشته نظم کشیده‌اند. سیدحیدر در چکامه‌ای که در رثای سیدالشهدا^{علیه السلام} سروده، به حادثه سقیفه پرداخته و در آن چکامه، امام علی^{علیه السلام} را شهر علم خدا معرفی کرده و با استفاده از استفهام انکاری، معنای مورد نظر خود را قوت بخشیده است.

استاد شهریار نیز با الهام از حدیث نبوی در مورد امام علی^{علیه السلام} فرمودند: «أنا مدينة العلم و علیُّ بأبها، فمن اراد العلم فلیأتِ الباب» (النیسابوری، ۱۹۹۷، ج ۳، ص ۱۲۶)، با نبوغ و هنر خود، به معرفی هر چه بیشتر فضایل و کمالات حضرت علی^{علیه السلام} می‌پردازد.

۴. ریشه‌کنی حکومت مستبدان

سیدحیدر و شهریار، نگاهی کلی به مسأله انسانیت و جوامع بشری جهان اسلام دارند و مسائل سیاسی و اجتماعی جهان اسلام را مطرح می‌کنند:

أقائم بیئت الهدی الطاهر
کم الصبر فت حشا الصابر
أین المعد لمحو الضلال
بتجدید رسم الهدی الدائر
و ناشر رایة دین الإله
و ناعش جد التقی العاثر
علی أن فینا اشتیاقاً الیک
کشوق الربی للحیا الماطر

۵. «به سمت خدا بگرایید و بگذارید شیطان تنها بماند. ای بچه! گول زدن و گول خوردن هم اندازه‌ای دارد؛ پیامبر شهر خداست و درب آن شاه ولی، پس دنبال روزنه نباش که این شهر، چنین دروازه عظیمی دارد.»

و طول أنتظارک فت القلوب
فکم ینحت الهم أحشاءنا
عججنا إلیک من الظالمین
أجل یومنا لیس باگأجیبی
و أعضی الجفون علی عائر
و کم تستطیل ید الجائر
عجج الجمال من الناحر
من یوم والذک الطاهر

(حلی، ۱۴۰۴، ص ۷۳)

باز آن یهود، بسته در قلعه‌های قدس
مرحب کشیده تیغ به لبنان و ارض قدس
آن قتل‌عام زد به فلسطین که شد بلند
صف بسته مسلمین پی جنگ و جهاد کفر
با این صف جهاد و به مفتاح دست غیب

(خشکنابی، ۱۳۷۹، ص ۷۴-۷۵)

سیدحیدر در قصیده فوق که در رثای امام علیه السلام سروده است، از ستم ظالمان و سیاست‌هایی که در پیش گرفته‌اند، به امام زمان علیه السلام شکایت می‌کند. اگرچه این قصیده، تصویری تاریخی و سیاسی را از وضعیت جامعه شاعر و حکومت‌های موجود در جوامع اسلامی ارائه می‌دهد، رویکرد عاطفی بر آن غلبه کرده و چنان با عاطفه و احساس درون شاعر عجین شده که با

۶. أعضی الجفون علی عائر : خس و خاشاک فرورفته در چشم را تحمل کردن و شکیبایی ورزیدن.
۷. «ای برپاکنده سرای پاکیزه هدایت! چه بسا صبر درون انسان صابر را تکه‌تکه کرده است...؛ کجاست کسی که برای محو گمراهی و تجدید رسم هدایت فراگیر مهیا شده است؟ و کجاست نشردهنده پرچم دین خدا و زنده‌کننده و نجات‌بخش اجداد باتقوا و عالم؛ در وجود ما اشتیاقی به تو هست مانند شوق تپه به باران ریزان؛ طولانی شدن انتظار تو، دل‌ها را شکسته و پلک‌ها را بر خارها بسته است؛ چقدر هم و غم درون ما را تراشید و چقدر دست ستم‌گر (بر ظلم کردن) دراز شده است! از دست ستم‌کاران به سوی تو فریاد زدیم مانند فریاد زدن شتر از ذبح‌کننده؛ به روزگار ما از روزگار زمان پدر پاکت بیگانه نیست» (ستمی که در روزگار ما جاری است همانند ستم زمان روزگار پدر توست).

خواندن قصیده می‌توان حزن و اندوه وی را از مصیبت‌هایی که حکومت اسلامی بدان دچار گشته، احساس کرد. همان‌گونه که گفته شد، جامعه‌ای که سیدحیدر در آن می‌زید و متولیان حکومت ترکان عثمانی هستند، پر از فساد و استبداد بوده و عدالت اسلامی جای خود را به جور و ستم داده و معیارهای حکومت نبوی از بین رفته است. از این رو، شاعر از این اوضاع تحمل‌ناپذیر و پر از فساد و ظلم، به امام زمان علیه السلام پناه می‌برد و از تلخی صبر و طولانی شدن انتظارش سخن رانده و با تعبیری زیبا، تلخی انتظار را به «فرورفتن خس و خاشاک در چشم» تشبیه کرده و فریاد کمک‌خواهی و عجز و ناتوانی خویش را به صدای شتری همانند ساخته که هنگام ذبح فریاد می‌زند و تنها راه نجات از این وضعیت را در ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌بیند.

شهریار نیز به عنوان شاعری متعهد و بشردوست، به مسائل جاری در کشورهای اسلامی توجه دارد و آن را در اشعارش منعکس می‌کند. بیان این مسائل و مشکلات موجود در جامعه اسلامی و توجه به مسأله بشریت، نشان می‌دهد که نگاه شهریار، تنها به جامعه خود محدود نیست و نگاهی فراگیر و کلی به مسأله بشریت دارد. وی در غزل «یا علی»، از درد امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، اشغال قدس شریف، از قتل عام ملت فلسطین و جنگ‌های بی‌امان و صف بستن مسلمانان در راه مبارزه با کفر و دفاع از شرف و میهن خود سخن می‌گوید و از دستان خیبرگشای علی علیه السلام علیه یهودیان که همان اسرائیل غاصب است، استمداد طلبیده، از ایشان می‌خواهد که با شمشیر ذوالفقار خویش، راه بسته کربلا و نجف را بگشاید و بشریت را از ظلم اسارت برهاند.

تفاوت تصویری که در ابیات گفته شده وجود دارد، این است که صحنه‌هایی که سیدحیدر از درد و رنج اشغال به تصویر کشیده، محسوس‌تر و تأثیرگذارتر از تصویر شهریار است و دلیل آن می‌تواند این باشد که سیدحیدر داخل در همین سرزمین‌های اشغال‌شده‌ای است که شهریار از آن سخن می‌راند. با این‌که سرزمین شهریار نیز در دوره حیات وی دچار هرج و مرج و اشغال بیگانگان بود، وجود رهبرانی مقتدر در عرصه دفاع

از آرمان‌ها و معیارهای اسلامی، به مردم و شاعر دلگرمی می‌داد. اما سیدحیدر در جامعه‌ای است که حاکمانش، علما و رهبران آن را سرکوب و یا تبعید کرده‌اند و شاعر تنها راه نجات را در ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌داند. نکته دیگر این که سیدحیدر دست‌آویز امام زمان علیه السلام گشته، در حالی که شهریار از حضرت علی علیه السلام طلب کمک کرده است. این اختلاف می‌تواند بیان‌گر این باشد که سیدحیدر دنبال ایجاد فضایی برای قیام و شورش است و ندای انقلاب سر می‌دهد. اگرچه همین حس را در شعر شهریار نیز می‌توان احساس کرد، سیدحیدر با فراخواندن امام عصر علیه السلام به عنوان منجی بشریت و قیام‌کننده علیه ظالمان، به این مسأله جامه عمل پوشانده است.

۵. لیلۃ المیت

بلی قضی نفسُ النبی المرتضی و أدرج اللیلۃ فی أثوابه^۸
(حلی، ۱۴۰۴، ص ۵۵)

عشق‌بازی که هم‌آغوش خطر خفت در خوابگاه پیغمبر
(شهریار، ۱۳۷۳، ص ۶۱۶)

هر دو شاعر با رویکردی روایی-تاریخی، به لیلۃ‌المیت و ماجرای خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله و فداکاری ایشان در راه رسول خدا صلی الله علیه و آله و دین اسلام سخن رانده و تحسر و اندوه خود را از کشته شدن کسی که جان خود را در راه حفظ اسلام به خطر انداخته و تمام توانش را در راه اعتلای دین و امت اسلامی به کار گرفته، بیان می‌دارند. سیدحیدر در مقام ستودن امام علی علیه السلام، ایشان را «جان‌نبی» و شهریار او را «عشق‌بازی» تصور می‌کند که جان خویش را در راه معشوقش عرضه می‌دارد و هر دو بدین صورت، محبت عمیق بین این دو بزرگوار را به تصویر می‌کشند.

۸. «جان و دل راضی پیامبر که شب هنگام در بستر پیامبر خوابید، جان باخت».

۶. ضربت خوردن حضرت علی علیه السلام

غادره ابن ملجم و وجهه
و مر من بین الجموع هارباً
و هو لعمری لو یشاء لم ینل
مخضَّبُ بالدم فی محرابه
یودُّ أن یرج من إهابه
مانال أشقی القوم فی آرابه
(حلی، ۱۴۰۴، ص ۵۶)

پیشوایی که ز شوق دیدار
ماه محراب عبودیت حق
می‌زند پس لب او کاسه شیر
چه اسیری که همان قاتل اوست
می‌کند قاتل خود را بی‌دار
سر به محراب عبادت مشتق
می‌کند چشم اشارت به اسیر
تو خدایی مگر ای دشمن دوست
(شهریار، ۱۳۷۳، ص ۶۱۶)

هر دو شاعر، به حادثه تاریخی - سیاسی ضربت خوردن حضرت علی علیه السلام پرداخته‌اند. سیدحیدر صحنه ضربت خوردن حضرت را به تصویر می‌کشد و با تشبیه ساده و محسوس، ذلت و خواری قاتلش را که از شدت ترس و سرعت فرار بعد از زخمی کردن حضرت، نزدیک بود از پوست بدنش خارج شود، به تصویر می‌کشد و در بیت آخر، گوشه‌چشمی به این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد که فرمود: «یا علی أشقی الاولین عاقراً الناقه، و أشقی الاخرین قاتلک». (ابوالفتوح رازی، ۱۳۱۸، ص ۵۸۷)

اما شهریار همانند سیدحیدر به طور مستقیم به اسم قاتل اشاره نمی‌کند. سیدحیدر از فرار ابن ملجم بعد از زخمی کردن حضرت و شهریار از دستگیری او و مدارای امام علی علیه السلام با قاتلش بعد از جراحتش می‌گوید و به زیبایی، به توصیف جوان‌مردی و عدالت امام علیه السلام، حتی در مورد قاتل خویش می‌پردازد و در بیت آخر با آوردن صنعت تضاد «دشمن دوست»، به جوان‌مردی امام علیه السلام مهر تأیید می‌زند.

۹. «ابن ملجم، امام را در حالی که چهره‌اش در محراب نمازش خون‌آلود بود، ترک کرد؛ از بین جمعیت فرار کرد طوری که (از شدت ترس و سرعت فرار) نزدیک بود از پوستش خارج شود؛ به جانم قسم که او به خواسته‌ای که شقی‌ترین مردم به آن رسیدند، دست نیافت!»

۷. غدیر

إِنَّ الْأُولَىٰ عَلَىٰ النِّفَاقِ مَرَدُوا قَدْ كَشَفُوا بَعْدَكَ عَن نَّقَابِهِ
وَصَيَّرُوا سَرْحَ الْهُدَىٰ فَرِيْسَةً لِلْغَىٰ بَيْنَ الظُّلَمِ مِن ذِيَابِهِ
وَعَادَرُوا حَقَّ أَخِيكَ مَضْعَةً يَلُوكُهَا الْبَاطِلُ فِي أَنْيَابِهِ^{۱۰}

(حلی، ۱۴۰۴، ص ۵۷)

یا علی نام تو بردم نه غمی ماند و نه همی
گویا هیچ نه همی به دلم بوده نه غمی
منکر عید غدیر خم و آن خطبه و تنزیل
با کر و کور چه عید و چه غدیری و چه خمی

بابی انت و امی
بابی انت و امی
کر و کور است و عزازیل
بابی انت و امی

(خشکنابی، ۱۳۷۹، ص ۷۷)

به غوغای غدیر خم ندیدید؟ به دست شه چو شاهینم نشیمن؟
نه با آن خطبه «من كنت مولاه» علی را برد بر اعلا و اعلن؟
نه خود فریاد «بخا بخ» کشیدید من اینها شور خوانم یا که شیون؟

(شهریار، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۴۷)

مسأله غدیر، یکی از مسائل سیاسی مهم در شعر شیعی است. غدیر، حساس‌ترین مقطع اسلام است که در آغاز شکوفایی، دین خدا را از خطر حتمی دشمنان داخلی و خارجی در بُعد فکری و معنوی نجات داد. غدیر صراط است. با ایمان به غدیر می‌توان از این صراط گذشت. (انصاری، ۱۳۸۴، ص ۱۱) حادثه غدیر، حادثه سطحی، آسان و گذرا نیست، بلکه در مجرای دین اسلام و مسیر طولانی آن، عمیق‌ترین واقعه به شمار می‌رود. از این‌رو، ذکر آن

۱۰. «همانا کسانی که به نفاق و دورویی عادت کردند و آن را ادامه دادند، بعد از تو نقاب را از چهره‌شان برداشتند؛ گله هدایت به عنوان طعمه‌ای در بین گرگان سیاه و بی‌مو گمراهی قرار گرفتند؛ و حق برادرت را هم چون تکه گوشتی که باطل آن را در بین دندان‌هایش می‌جود به جا گذاشتند».

در عرصه‌های مختلف اسلامی و پژوهش‌های دینی واجب و ضروری است؛ زیرا بیعت غدیر، مسأله‌ای است که با ذات دین اسلام و اصل وصایای پیامبر ﷺ مرتبط است. (هیفا، ۲۰۱۰م، ص ۶۱۳)

هر دو شاعر در اشعار خود، با شدت تمام به کسانی می‌تازند که شاهد بیعت رسول خدا ﷺ با حضرت علی ﷺ بودند، اما در امر جانشینی ایشان سهل‌انگاری ورزیدند و به دفاع از حقانیت او نپرداختند. سیدحیدر با رویکردی سیاسی، به انکار غدیر توسط ناآگاهان و مخالفان اشاره می‌کند و بر این عقیده است که پس از رحلت رسول خدا ﷺ، واقعه غدیر را انکار کردند و آنچه را که در پیش چشم همه اعلام شده بود، کتمان نمودند. وی برای به تصویر کشیدن هر چه بیش‌تر مظلومیت اهل‌بیت ﷺ و ملموس کردن آن برای مردم، از صنعت تشبیه بهره‌جسته و اهل‌بیت ﷺ را به کاروان هدایتی تشبیه کرده که بعد از ایشان، طعمه‌گرگ‌های پیر سیاه و بی‌مو گردیده‌اند و نادیده گرفته شدن حق ولایت امام علی ﷺ را به تکه گوشتی تشبیه کرده که بین دندان‌هایشان جویدند. وی در این جا به‌طور غیرمستقیم، به فاجعه عظیم کربلا نیز اشاره دارد که به دلیل کینه‌های قدیمی که این منافقان از جنگ‌های بدر و احد و... داشتند، فرزند امام علی ﷺ را سر بریدند و شنیع‌ترین رفتارها را با خاندان نبوت انجام دادند.

شهریار نیز در دفاع از حقانیت امام علی ﷺ برای جانشینی پیامبر ﷺ، آشکارا به مسأله «غدیر» و جانشینی ایشان برای حاکمیت مسلمانان اشاره می‌کند و در ابیات پیش‌که به صورت مستزاد سروده شده، با بهره‌جستن از صنعت تضمین از خطبه حضرت رسول ﷺ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، از عهدشکنان این واقعه تاریخی با عنوان «کر و کور» و «شیطان‌صفت» یاد می‌کند. زبان شهریار در این ابیات حماسی و کلماتش کوبنده است و از ورای این کلمات، می‌توان خشم شاعر را لمس کرد. همان‌قدر که شاعر در بیش‌تر اشعارش زبانی نرم و لطیف دارد، هنگامی که سخن از غدیر و ولایت و خانه‌نشینی امام علی ﷺ می‌شود، واژگانش آتشین و کوبنده است. این از ایدئولوژی یک شاعر متعهد شیعی حکایت

می‌کند که متناسب با اوضاع عمل می‌کند. اما می‌توان گفت شعر حیدر حلّی، عمق معنایی والایی دارد و در صدد نمایش رخداد‌های تاریخ جهان اسلام بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ است و به ریشه‌یابی و چرایی واقعه غدیر و به دنبال آن، به وقوع فاجعه کربلا از ابتدای تاریخ اسلام می‌پردازد.

۸. حزن و اندوه

فَلْيَكِ جَبْرَيْلُ لَهُ وَلِيَّتَجِبُ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى عَلِيٌّ مُصَابَهُ
نَعْمَ بَكِيٍّ وَالْغَيْثُ مِنْ بُكَائِهِ يَنْحَبُ وَالرَّعْدُ مِنْ انْتِحَابِهِ
مُتَنَدِّباً فِي صُورَةٍ وَإِنَّمَا يَسْتَصْرِخُ الْمَهْدِيُّ فِي انْتِدَابِهِ^{۱۱}
(حلّی، ۱۴۰۴، ص ۵۶)

آن دم صبح قیامت تأثیر
دست در دامن مولاد زد در
شال شه و اشد و دامن به‌گرو
شال می‌بست و ندایی مبهم!
حلقه در شد از او دامن‌گیر
که علی بگذر و از ما مگذر
زینبش دست به دامن که مرو
که کمر بند شهادت محکم
(خشکنابی، ۱۳۷۹، ص ۸۱)

اندوه هستی و کاینات از ضربت خوردن و شهادت امام علی ﷺ، از دیگر مضامین مشترک موجود در اشعار دو شاعر، است. در شعر سیدحیدر، فرشتگان و رعد و باران و طبیعت، و در شعر شهریار در و دیوار و مرغان به گریه درآمده‌اند.

اگرچه اغلب اشعار سیدحیدر دارای زبانی حماسی است، در این ابیات بیشترین ارتباط عاطفی و هیجانی را با مخاطب خود دارد، به تصویر کشیدن ناله و اندوه فرشتگان و طبیعت

۱۱. «باید جبرئیل برای او گریه کند و باید در ملأ اعلا برای مصیبتش نوحه سر دهد؛ بله جبرئیل گریه کرد و باران از گریه او زارزار گریست؛ و رعد نیز به سبب گریستن باران، در فریادش ناله‌کنان است و او در ندبه‌هایش از حضرت مهدی ﷺ فریادرسی می‌خواهد».

و هستی، نشان می‌دهد که وی این فاجعه را نه تنها به انسان‌ها، بلکه به کل هستی تعمیم داده است و شدت غم و اندوه عناصر هستی را به قدری زیاد می‌داند که همه این عناصر، حضرت مهدی علیه السلام را به استغاثه می‌طلبند. شهریار نیز به عنوان شاعر رمانتیک، آن‌جا که خواسته صحنه‌های شب ضربت خوردن امام علی علیه السلام را به تصویر کشد، احساسش را در شعر رخنه داده و تصویرها را از سطح مدلول طبیعی فراتر برده است. این بخش از شعر شهریار، سرشار از احساسی دلگیر و غم‌انگیز است. صفاتی که شاعر به اشیا و شب داده، همگی در یک جهت حرکت کرده، احساس مخاطب را در پی خود می‌کشانند. «دستاویز شدن در» به دامن حضرت در نیمه‌های شب و «باز شدن شال از کمر» و «مانع شدن پرنندگان» و ناله‌های دخترش حضرت زینب علیها السلام و التماس او به پدر برای انصراف از پیمودن راه به سمت مسجد کوفه، همه این تصویرها دست به دست هم داده و عصاره احساس و فشرده عواطف شاعر را به جهان خواننده انتقال داده است. در تفاوت سطح زبانی شهریار و حیدر حلّی می‌توان گفت سیدحیدر گرچه از شاعران رمانتیک نیست، برخی از مضامین شعری وی هم‌خوانی کاملی با مضامین «مکتب رمانتیسیم» دارد؛ همانند ابیات پیش‌گفته که در آن برای بیان احساس خویش، به دامن طبیعت و بهره‌گیری از عنصر تشخیص پناه برده اما کلمات نرم و آهنگین و تصاویر شعر شهریار که از مشخصه‌های شعر اوست، وی را بر شاعر کلاسیک عرب‌زبان که از لغاتی مستحکم و پر طمطراق بهره جسته، برتری داده است.

۹. توسل

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَغْتُ صَرِيحاً أَلَمْ بِجَنبِ قَبْرِكَ مَسْتَغِيثاً
أَتَاكَ يَحْتُ نَاجِيَةَ الْمُطَايَا وَصَرَفَ الدَّهْرَ يَطْلُبُهُ حَثِيثاً^{۱۲}
(حلّی، ۱۴۰۴، ص ۵۴)

۱۲. «ای امیر مؤمنان! به فریاد کمک‌خواه برس که یاری طلبان به بارگاه تو روی آورده است؛ در حالی که حوادث و دگرگونی روزگار او را سریع می‌طلبند (مصیبت‌ها و سختی‌ها بر او هجوم آورده)، مرکب‌های تدرّو را به سوی تو برانگیخته و به محضر تو پناه آورده است.»

مستمندم بسته زنجیر و زندان یا علی دست‌گیر، ای دست‌گیر مستمندان یا علی
 بندی زندان روباهانم ای شیر خدا می‌جوم زنجیر زندان را به دندان یا علی
 من نه ایوبم ولی صبرم به محنت بیش از اوست من نه یوسف لیک زندانم دو چندان یا علی
 حیف تشریف تو کز پستی و کوتاهی قد شرمساریم از رخ بالا بلندان یا علی
 صید کفاریم و چون تازی، دوان دنبال اسب وز سوار کُفر و کین، سر در کمندان یا علی
 (خشکناپی، ۱۳۷۹، ص ۸۱)

هر دو شاعر در توسل خود، به اوضاع نابه‌سامان روزگار خویش اشاره کرده و از حضرت استمداد طلبیده‌اند. سیدحیدر در مدحیات خویش، از ستم حکومت عثمانی و حوادث روزگار، به امام علیه السلام توسل می‌جوید و از مرکب مصیبت‌ها و بدبختی‌ها شکایت دارد که او را دنبال می‌کند. شهریار در غزل "یا علی"، از روزگاری می‌نالده که وی را پابند خویش کرده و از حضرت می‌خواهد تا به درک عشق حقیقی نائلش گرداند و از گرفتار شدن در دام انسان‌های روباه‌صفت نجات بخشد و از زندان دردمندی‌های دهد. گویا شاعر از این‌که دل به عشق زمینی و دنیایی ببندد، واهمه داشته و طالب عشقی والاتر و ماندگارتر است؛ زیرا تنها عشق معنوی روح انسان را جلا می‌دهد و آرامش می‌بخشد. از این‌رو شهریار خسته و ناکام، دستگیر مولایش علی علیه السلام شده تا از برزخی که گرفتارش گشته، نجات یابد و به عشق حقیقی نایل گردد. در واقع می‌توان گفت شکایت شهریار از نفس خویش است که اوضاع روزگار نیز بدان دامن زده و وی را بیش‌تر به سمت زندانی شدن در دنیای مادی سوق داده، در حالی‌که نگاه سیدحیدر به سمت حاکمان و مجریان قانون در جامعه حله است که با فساد و ظلم خویش، عرصه زندگی را بر مردم تنگ گردانده‌اند.

نتیجه

۱. اشعار دو شاعر درباره حضرت علی علیه السلام با وجود اختلاف زبان و محیط، از وجوه مشترک بسیاری برخوردار است.
۲. مضمون علویات هر دو شاعر، همراه با روشن‌فکری و اعتدال است و از غلو و اغراق پرهیز نموده‌اند.
۳. هر دو شاعر به بُعد اجتماعی شخصیت حضرت بیش‌تر توجه نموده و در واقع در صدد معرفی نمودن ایشان به‌عنوان الگوی یک حاکم عادل اسلامی هستند که باید حکومت‌های جوامع اسلامی از وی سرمشق بگیرند.
۴. سیدحیدر با فراخواندن امام زمان علیه السلام در رثای امام علی علیه السلام، به جنبه انقلابی شعر خویش قوت بخشیده و بدین طریق، به برانگیختن و فراخوانی برای ایستادگی در برابر استبداد و استعمار و نیز به تحریک وجدان‌های بیدار علیه ظلم و فساد و حکومت‌های خودکامه در جوامع اسلامی پرداخته است. اما نگاه شهریار در رثای امام علی علیه السلام بیش‌تر از احساس و عاطفه صرف شاعر سرچشمه می‌گیرد.
۵. هر دو شاعر در خلال علویات خویش، دنبال تهذیب اخلاق جامعه بوده و توانسته‌اند میان چالش‌های موجود در جهان اسلام و شعر خویش، پیوندی مناسب برقرار کنند؛ اما سهم سیدحیدر در این مسأله زیاد است. وی در مقام مقایسه میان اوضاع عصر خویش و حوادث دوران زندگی حضرت علی علیه السلام برآمده و آنچه را که با جامعه عصر خویش متناسب بوده، از وضعیت اجتماعی و حکومت آن دوره استنباط کرده است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن شاذان، محمدبن‌احمد، مئة منقبة من مناقب أمير المؤمنين علي بن ابي طالب و الائمة من ولده، قم، ۱۴۲۲ق.
۲. ابوالفتوح رازی، حسین‌بن‌علی، روض الجنان و روح الجنان، آستان قدس رضوی، ۱۳۱۸.
۳. امین، حسن، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۲۰۰۱م.
۴. انصاری، محمدباقر، اسرار غدیر، چاپ پانزدهم، تهران: تک، ۱۳۸۴.
۵. جرداق، جرج، الامام علی، صوت العدالة الانسانیة، ج ۱، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر العربی، ۲۰۱۰.
۶. حلّی، سیدحیدر، دیوان، تصحیح علی الخاقانی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴.
۷. حوفی، احمد محمد، ادب السیاسی فی العصر الاموی، القاهرة، دارالنهضة مصر، ۱۹۶۵.
۸. خشکنابی، سیدرضا، گلزار جمال، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۷۹.
۹. الخیاط، جلال، الشعر العراقي الحديث (مرحلة وتطور)، بیروت: دار صادر، ۱۹۷۰.
۱۰. شهریار، محمدحسین، کلیات دیوان، تهران: نگاه، ۱۳۷۳.
۱۱. _____، دیوان، ج ۱ و ۲، چاپ بیست‌ویکم، تهران: زرین، ۱۳۸۵.
۱۲. _____، تورکی دیوانی کلیاتی، تهران: نگاه، ۱۳۸۶.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۱ و ۳۵، بیروت: مؤسسه وفا، ۱۴۰۳ق.
۱۴. منزوی، حسین، این ترک پارسی گوی، تهران: انتشارات برگ، ۱۳۷۲.
۱۵. الموسوی، مدین، السیدحیدر الحلّی شاعراً، بیروت: دارالثقلین، ۱۸۸۷.
۱۶. النیسابوری، محمدبن‌عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، محقق: مقبل بن هادی الوادعی، دارالحرمین، ۱۹۹۷.
۱۷. هیفا، انور، الامام علیؑ فی فکر مسیحی المعاصر، بیروت: دارالعلوم، ۲۰۱۰.